

نظریه ترجمه: کارکردها و رهنمودها

عباس امام

۱- مقدمه

ترجمه را می‌توان از قدیمی‌ترین اشکال روابط انسانی به‌شمار آورد که در مجموع همواره در جهت تفاهم بشری عمل کرده است. بنا به گفته یوئن رن چائو (Yuen Ren Chao, 1968) "ترجمه، تاریخی به قدمت برج باستانی بابل دارد و در زمینه ارتباط بین زبانها، ترجمه نقشی والا تر از مطالعه و یادگیری زبان بیگانه و دو زبانی (bilingualism) ایفا کرده است." (ص ۱۲۸). با این همه بحث فنی در مورد وجوه و جنبه‌های گوناگون این فن یا مهارت، عمری بس جوانتر از خود ترجمه دارد. در واقع نخستین مطالب مکتوب در مورد ترجمه مربوط به دورانی می‌شود که نیومارک (۱۹۸۱) آن دوره را دوره پیش زبان‌شناختی (Prelinguistics) ترجمه نامیده است.

این نوشته‌ها و آثار مکتوب در مجموع بیانگر افکار و نظرات برخی شخصیت‌های ادبی و مذهبی در مورد این حوزه از فعالیت ذهنی بشر است و اغلب این نظریات به‌صورت ذهنی و تجویزی ابراز شده‌اند. همچنین گفته شده که این مطالعات بیشتر رنگ و بوی مطالعات علم زبان‌شناسی تاریخی یا فقه اللغة (Philology) داشته‌اند، تا جهت‌گیری علم امروزی زبان‌شناسی (Linguistics) (نایدا، ۱۹۷۴).

به هر حال، مطالعات در باره ترجمه در دوران پیش‌زبان‌شناختی چشم‌اندازی بسیار محدود در برابر خود داشتند: آیا مترجم باید لفظ به لفظ ترجمه کند یا آزاد؟ برای مثال براور (Brower) از ادیب نامدار قرن نوزدهم ادوارد فیتزجرالد نقل می‌کند که گفته "... من متقاعد شده‌ام که ... مترجم باید هر مطلبی را از زبان اصلی آن به جامه زبان خود در آورد ... یعنی آن که سگ زنده بهتر از شیر مرده است." (ص ۲۷۷). از ویژگیهای بارز این گونه نظریات جنبه‌اندرزگونه و غالباً هشدار دهنده آنها بود که به مترجمان توصیه می‌کردند تا هنگام ترجمه از چه چیزهایی پرهیز کنند؛ توصیه‌هایی که اغلب نتیجه تجربه شخص نظریه پرداز در ترجمه متون نثر و نظم از یونانی و لاتین بود. ولی به گفته نیومارک (۱۹۸۸) "هدف ترجمه، ماهیت ذهنی مخاطبان، نوع متن و چیزهایی دیگر از این دست مورد بحث قرار نمی‌گرفت." بدین ترتیب اگر مثلاً به مجموعه مقالات کتاب در باره ترجمه (On Translation) ویراسته براور (۱۹۵۹) نگاه کنیم خواهیم دید که بیشتر مقالات از دیدگاه زبان‌شناسی تاریخی نوشته شده‌اند تا زبان‌شناسی نوین (نایدا، ۱۹۷۴). به گفته همان ترجمه‌شناس نامدار کتاب هنر ترجمه (The Art of Translation) اثر سیوری (Savory) دارای جهت‌گیری مشابه کتاب پیشین است (نایدا، ۱۹۷۴: ص ۱۰۲۶).

با این همه، باید گفت که نمونه‌های آثار یاد شده نباید به علت فقدان رهیافت زبان‌شناسی امروزی دست کم انگاشته شوند، چرا که نظریه پردازان معاصر ترجمه آن مجموعه آثار و نظریات را سنگ بنا و شالوده نظریات جدید ترجمه تلقی می‌کنند؛ نظریاتی که به ادعای مدافعان آنها در برگیرنده تبیین و توجیه مجموعه فراگیرتری از انواع متون و انواع ترجمه‌هاست.

از سوی دیگر، اما، عقیده بر این است که دوره دوم یا دوره زبان‌شناختی ترجمه نیز با مطالعات عینی تر و

متأخرتر شروع شده است. بدیهی است که صفت زبان‌شناختی این دوره حاکی از این است که مجموعه مطالب گنجانده شده در زیر این عنوان پرداخت و رنگ و بوی زبان‌شناختی مسائل ترجمه است که اغلب به قلم زبان‌شناسان نوشته شده‌اند. به اعتقاد نایدا (۱۹۷۴) این مطالعات و بررسی‌ها که از زمان جنگ جهانی دوم شروع شده به تدریج به صورت رشته‌ای گسترده و مستقل در آمد که بعدها به نام نظریه ترجمه (Translation Theory) شناخته شد.

۲- نظریه ترجمه

نتیجه سالها نظریه‌پردازی و بحث در زمینه مسائل مربوط به حوزه ترجمه، مجموعه‌ای از اطلاعات است که در اختیار ما قرار گرفته و اکنون آنها را نظریه ترجمه می‌نامند. به اعتقاد مترجم و ترجمه‌شناس پروازیه پیترومارک (۱۹۸۲) نظریه ترجمه عبارتست از مجموعه‌ای از اطلاعات که ما در حال حاضر و در آینده در مورد فرایند ترجمه خواهیم داشت. بدین ترتیب بهتر است مطالب و مندرجات مربوط به نظریه ترجمه را مرور کنیم. اما پیش از این کار، شایسته است تا یکی از عوامل کلّ فهمی و گمراهی در این مورد را از همین ابتدا روشن کنیم. از آنجا که عنوان این حوزه فکری یا رشته تخصصی را به صورت مفرد (یعنی نظریه ترجمه) به کار می‌برند، بسیاری از دانشجویان و علاقه‌مندان به مباحث نظری ترجمه، حداقل در اوایل آشنایی با این اصطلاح، به این باور نادرست می‌رسند که حتماً یک نظریه خاص و مشخص در مورد مسائل ترجمه وجود دارد که با فراگرفتن آن می‌توان عملاً و به سرعت در کار عملی ترجمه موفق شد. علت این برداشت نادرست شاید قیاس نظریه ترجمه با نظریات دیگری نظیر قانون یا نظریه جاذبه عمومی نیوتن یا فرضیه نسبیت انیشتین باشد؛ دو نظریه‌ای که شاید امروزه هر یک از آنها را بتوان در فرمولهایی ساده و محدود خلاصه کرد. اما نکته اینجاست که برخلاف چنین مواردی، نظریه ترجمه فرمول و قاعده و قانونی کلی و در عین حال به سادگی آن دو مورد، ندارد. پس شاید بهتر باشد برای اشاره به این حوزه نظری از اصطلاح ترجمه‌شناسی (به صورتی که در کانادا به کار می‌رود) و یا مطالعات ترجمه (به صورتی که در هلند به کار می‌رود) استفاده کرد چرا که به نظر می‌رسد این دو عنوان بهتر از رایج نظریه ترجمه جامعیت این مقوله را القا می‌کنند. اما در هر صورت، عنوان نظریه ترجمه کاربرد بسیار گسترده‌تری از دو عنوان پیشنهادی ما دارد؛ چیزی شبیه به رواج ناگزیر غلطهای مصطلح. به همین دلیل نیومارک اصطلاح نظریه ترجمه را یک غلط مصطلح و یا به تعبیر جالبتر اسم و عنوان بی‌مسمّا (Misnomer) می‌نامد.^۱ ولی در نهایت باید گفت که نظریه ترجمه به مجموعه‌ای از مطالب اشارت دارد که یک هدف عمده و کلی را دنبال می‌کنند: بررسی و تبیین مسائل مختلف و متعدّد موجود در کار ترجمه.

۳- نظریه ترجمه و سازه‌های آن

به عقیده نایدا (۱۹۷۴) اگر بخواهیم درک مناسبی از گرایشهای رایج در نظریه ترجمه داشته باشیم ناچاریم ترجمه را بر حسب ارتباط آن با چندین رشته مختلف دیگر در نظر بگیریم (ص ۱۰۴۵)؛ از جمله این رشته‌ها که ارتباط عمیقی با ترجمه دارند رشته‌های زیر را می‌توان نام برد:

۱- زبان‌شناسی ساختگرا

۲- قوم‌شناسی، خاصه در زمینه ارتباط زبان و فرهنگ

۱- به گفته نیومارک (۱۹۸۱) اصطلاح Translation Theory خود در واقع ترجمه‌ای است لفظ به لفظ از اصطلاح آلمانی Übersetzungswissenschaft، و گر نه نظریه ترجمه نه یک نظریه (به مفهوم واقعی و مصطلح کلمه) و نه یک علم است. (ص ۱۹۰)

۳- نظریه ارتباط Information Theory

۴- روان‌شناسی

۵- فلسفه زبان

به عنوان نمونه اگر مورد شماره سه را در نظر بگیریم خواهیم دید که مفاهیم جدید مطرح شده در نظریه ارتباط توانسته‌اند خدماتی به نظریه ترجمه بدهند، مثلاً نه تنها از طریق تأکید بر اینکه هر پیامی (یعنی هر متن ترجمه شده‌ای) که خبری یا اطلاعاتی را منتشر نکند خبر نیست، بلکه همچنین از طریق تأکید بر اهمیت قابل فهم بودن پیام. به عنوان مثال در زمینه کارایی ترجمه بر حسب نظریه ارتباط، نایدا (۱۹۷۴) اظهار می‌دارد:

اگر مخاطبانی (decoders) که ترجمه برای آنها صورت گرفته است احتمالاً قادر به درک صحیح ترجمه نباشند، ترجمه، ترجمه موفقی نخواهد بود حتی اگر تناظر ظاهری تا حد زیادی در آن ترجمه رعایت شده باشد، و یا بعضی کارشناسان معتقد باشند که ترجمه مورد نظر ترجمه وفادار به اصل است. (ص ۱۰۵۵)

نکته دیگر در مورد نظریه ترجمه این است که نظریه ترجمه در برخورد با مسائل و مشکلات ترجمه عملی هم توصیفی عمل می‌کند و هم تجویزی. توصیفی عمل می‌کند به این معنا که می‌کوشد تا مجموعه گسترده عوامل دست‌اندرکار برگردان یک متن از زبان مبدأ به زبان مقصد را توصیف کند. در اینجا است که نظریه ترجمه توصیفی از روالهای ترجمه، فرایندهای ترجمه و تحلیل متن مورد ترجمه را در اختیار ما قرار می‌دهد. و تجویزی عمل می‌کند به این معنا که می‌کوشد تا از طریق ارائه رهنمودهایی کلی و جزئی به مترجمان آنها را متوجه کند که هنگام برگردان یک متن چه چیزهایی را باید پیش چشم داشته باشند. به گفته نیومارک (۱۹۸۸):

کاری که نظریه ترجمه انجام می‌دهد عبارت است از اول، تعیین و تعریف مشکل ترجمه (یعنی اینکه فقدان مشکل ترجمه برابر است با فقدان نظریه ترجمه؟!); دوم، ارائه تمام عوامل دخیل در حل آن مشکل، سوم ارائه تمامی روالهای ترجمه و بالاخره توصیه مناسبترین روش ترجمه و در نهایت ترجمه صحیح. (ص ۹۰)

برای اثبات این مدعا می‌توان مثالی از مقاله کمیسارف (۱۹۸۵) ذکر کرد که در آن مؤلف کوشیده تا ارزش عملی و کاربردی نظریه ترجمه را در ترجمه اصطلاحات (idioms) نشان دهد. کمیسارف با ذکر خطرات ناشی از ترجمه نادرست اصطلاحات (یعنی همان مرحله تعیین و تعریف مشکل ترجمه در مرحله بندی نیومارک) پنج جنبه از معانی اصطلاحات را ذکر می‌کند. این پنج جنبه عبارتند از:

۱- معنی مجازی اصطلاح

۲- معنی تحت‌اللفظی آن

۳- ماهیت احساسی-عاطفی اصطلاح

۴- سیاق ادبی آن

۵- رنگ و بوی ملی اصطلاح (که در واقع تعیین این پنج جنبه برابر با تعیین عوامل دخیل در حل مشکل در مرحله بندی نیومارک است).

۲- برای درک بیشتر و مناسبتر مفهوم خبر یا اطلاعات در نظریه ارتباط، به مقاله دکتر محمدرضا باطنی (۱۳۵۵) تحت عنوان "زبان و نظریه ارتباط" مراجعه شود.

آنگاه، نویسنده مقاله روشها یا روالهای خاص ترجمه اصطلاحات را یک به یک بر می‌شمرد (یعنی تعیین روالهای ترجمه در مرحله‌بندی نیومارک). به عقیده کمیسارف هر اصطلاحی را می‌توان با در نظر گرفتن نکات زیر به زبان دیگر برگرداند:

- ۱- حفظ تمامی پنج جنبه معنای اصطلاح
مثلاً a wolf in a sheep's clothing (فارسی: گرگ در لباس میش)
- ۲- حفظ همان ویژگیهای سبکی (stylistic) و احساسی و عاطفی (emotive) ولی بر اساس یک تصویر دیگر
مثلاً Make hay while the sun shines. (فارسی: تا تنور گرم است نان را بچسبان.)
- ۳- حفظ معنای اصطلاح از طریق ترجمه لفظ به لفظ آن
مثلاً People who live in glass houses should not throw stones. (فارسی: کسی که در خانه شیشه‌ای زندگی می‌کند سنگ نمی‌اندازد.)
- ۴- توضیح معنی مجازی اصطلاح
مثلاً to dine with Duke Humphrey (فارسی: گرسنه ماندن به خاطر تشریفات)
و بالاخره مناسبترین روشهای مورد نظر خود برای برخورد با اصطلاحات را ارائه می‌دهد (برابر با مرحله توصیه در تقسیم‌بندی نیومارک). این روشها عبارتند از:
۱- بهترین روش در ترجمه اصطلاحات از زبان مبدأ به زبان مقصد عبارت است از یافتن معادل دقیق آن در زبان مقصد
مثلاً to shed crocodile tears (فارسی: اشک تمساح ریختن)
۲- چنانچه مترجم نتواند معادل دقیقی برای اصطلاح مورد نظر در زبان مقصد پیدا کند، در این صورت باید تلاش کند تا معادلی بیابد که دارای همان معنای مجازی، اما با معنی تحت‌اللفظی دیگر، باشد.
مثلاً to get out of the bed on the wrong side (فارسی: از روی دنده چپ بلند شدن)
یا مثلاً مورد دیگر to bring grist to somebody's mill (فارسی: آب به آسیاب کسی ریختن)
۳- ممکن است در زبان مقصد معادل دقیق اصطلاح زبان مبدأ وجود نداشته باشد، و یا اگر وجود داشته باشد دارای برخی مضامین نامناسب باشد. در چنین مواردی مترجم با توجه به الگوهای رایج اصطلاح‌سازی در زبان مقصد (یا زبان مادری مترجم) می‌تواند شبه-معادلی (quasi-equivalent) برای اصطلاح مورد نظر بسازد.
مثلاً to put the cart before the horse (فارسی: سرنا را از سرگشادش زدن)
۴- و به عنوان آخرین تلاش، مترجم در صورتی که چاره دیگری نداشته باشد، می‌باید اصطلاح مورد نظر در زبان مبدأ را یا تفسیر کند و یا توضیح دهد.
مثلاً to cut somebody off with a shilling (فارسی: حتی دیناری برای کسی ارث باقی نگذاشتن)*

منظور نگارنده چنانکه از عنوان مقاله پیداست، ارائه تعریفی از نظریه ترجمه (یا ترجمه‌شناسی)، کارکردهای آن، رفع برخی شبهات و نیز بیان برخی رهنمودها در کار عملی ترجمه بود. اما فایده این همه چیست؟ به نظر می‌رسد فایده این کار برای مترجمان تازه کار این باشد که، برخلاف مترجمان زحمتکش و پر سابقه که به صورت تجربی پس از ماهها و سالها به نکته‌ای از ظرایف ترجمه پی می‌برند دیگر شاید ضروری نباشد تا آن همه وقت

و استعداد صرف شود تا نکته‌ای را که می‌شود پیشاپیش به صورت مدوّن و تحلیلی فراگرفت، با دود چراغ خوردن فراچنگ آورد. البته بدیهی است که این موضع نباید به معنای ناسپاسی در برابر تلاشهای مترجمان سخت‌کوش و مجرب تلقی شود. خیر، چنین نیست، همچنان که کار نظریه ترجمه یا ترجمه‌شناسی نیز کامل کردن ذهن مترجمان نمی‌باشد. کلام آخر اینکه، هدف ما ذکر این نکته است که آشنایی با مسائل نظری ترجمه می‌تواند کار مترجمان را تسهیل کند؛ کاری که مستلزم مطالعه مستمر و پیگیر کتب، مقالات و نشریات مربوط است و این خود کاری است که شاید مشکلات آن کمتر از کسب تجربیات عملی مترجمان پر سابقه نباشد.

منابع:

1. Brower, R.A. (ed.) (1966) *On Translation*. New York: Oxford University Press.
 2. Komissarov, V. (1985) "The practical value of translation theory". *Babel*, 4:1, 208-212.
 3. Newmark, Peter (1981) *Approaches to Translation*. Oxford: Pergamon Press.
 4. - - - - (1988) *A Textbook of Translation*. London: Prentice-Hall International.
 5. Nida, E.A. (1974) "Translation". in T.A. Sebeok (ed.), *Current Trends in Linguistics*. vol. 12 (pp. 1043-1068), The Hague: Mouton.
 6. Savory, T.H. (1968) *The Art of Translation*. London: Johnathan Cape.
 7. Yuen Ren Chao (1968) *Language and Symbolic Systems*. Cambridge University Press.
- ۸- باطنی، محمدرضا (۱۳۵۵) زبان و نظریه ارتباط. در مسائل زبان‌شناسی نوین: تهران، انتشارات آگاه.
- ۹- تجلی، غفّار (۱۳۶۶) ارزش عملی مبانی ترجمه. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز